

رابطه سرمایه فرهنگی و تعامل‌پذیری اجتماعی با نگرش به پرخاشگری

مطالعه موردی: دانش‌آموزان مدارس متوسطه تاکستان

امیر رستگار خالد^۱؛ مصطفی کرمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و تعامل‌پذیری با نگرش به پرخاشگری در بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه تاکستان انجام شد. برای دستیابی به این هدف، پژوهش حاضر از منطق پژوهش کمی پیروی کرده است. به این ترتیب که دانش‌آموزان متوسطه اول تاکستان به عنوان جامعه آماری مورد مطالعه قرار گرفت. از این میان، تعداد ۳۵۷ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شد که حجم نمونه برحسب فرمول کوکران محاسبه شد و نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری تصادفی انجام شد. همچنین داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با نگرش به پرخاشگری رابطه دارند. از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی که اندازه‌گیری شد، پایه تحصیلی، سن و جنسیت به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش دانش‌آموزان به پرخاشگری ایفا می‌کنند. همچنین ویژگی‌های خانوادگی نیز در نگرش به پرخاشگری دارای تأثیر مثبت هستند. در بین متغیرهای خانوادگی به ترتیب شغل پدر، شغل مادر و تحصیلات پدر سهم بیشتری در نگرش دانش‌آموزان به پرخاشگری داشته است. همچنین برحسب یافته‌های پژوهش، سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان، رابطه معکوس با نگرش به پرخاشگری دارد. در اولین گام از بررسی نتایج به دست آمده مشخص شد که میزان و حجم سرمایه فرهنگی بر نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیرگذار است. هرچه این نوع از سرمایه فرهنگی افزایش یابد، میزان نگرش به پرخاشگری کاهش می‌یابد. افرادی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، نگرش مثبت کمتری نسبت به دیگران به خشونت دارند. دانش‌آموزان هرکدام با

rastegar@shahed.ac.ir

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسؤول).

Mostafakarami1376@gmail.com

سرمایه‌های فرهنگی متفاوت وارد مدرسه می‌شوند و با برقراری ارتباط، تأثیرگذاری بر روی خصوصیات اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت آنان نیز شروع می‌شود. بنابراین تعامل‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی آن‌ها به عنوان توانایی ابراز ویژگی‌های کلامی و غیرکلامی صحیح، بر پرخاشگری تأثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: سرمایه فرهنگی؛ تعامل‌پذیری اجتماعی؛ نگرش به پرخاشگری؛ مدارس متوسطه

تاکستان.

مقدمه و بیان مسأله

مدرسه در زندگی روزمره دانش‌آموزان نقشی اساسی دارد و بخش قابل توجهی از دوران کودکی و نوجوانی خود را در کلاس‌های تودرتو در مدارس می‌گذرانند و تحصیل در مدرسه را برای شانس زندگی طولانی‌مدت آن‌ها حیاتی می‌دانند. محققان آموزشی نقش مدارس را به عنوان میانجی بین جایگاه خانوادگی و آینده دانش‌آموز مطرح کرده‌اند. سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان مؤلفه‌های اصلی منابع والدین به عنوان توضیحات جامعه‌شناختی در رابطه با پیامدهای تحصیلی فرزندان و زمینه خانوادگی ذکر شده است (طالبی و همکاران، ۲۰۱۹). بورديو و دیگران (۱۹۷۷)، به صراحت تأثیر منابع فرهنگی دانش‌آموز را بر موفقیت او در مدرسه بررسی کرده‌اند. به گفته بورديو، مدارس به دانش‌آموزان بر اساس سرمایه فرهنگی آنها پاداش می‌دهد که به عنوان "ابزاری برای تصاحب ثروت نمادین که از نظر اجتماعی شایسته جستجو و تملک هستند"، تعریف می‌شود.

تحقیق در مورد سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که چرا برخی از دانش‌آموزان با وجود سطوح مختلف سرمایه فرهنگی افراد، استانداردهای مدرسه را رعایت می‌کنند، در دانشگاه پذیرفته می‌شوند و در نهایت به نتایج آموزشی دست می‌یابند. کودکان از خانواده‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر از قبل با ترتیبات اجتماعی هنگام ورود به مدرسه آشنا هستند و بنابراین مدرسه را مکانی ترسناک نمی‌دانند. تجارب مداوم آنها در خانه به آنها کمک می‌کند تا با مدرسه سازگار شوند و به دنبال پیشرفت تحصیلی باشند. عناصر زندگی خانوادگی، به ویژه منابع فرهنگی، به عنوان سرمایه برای همسو کردن انتظارات دانش‌آموزان با هنجارهای مدرسه و کمک به آنها در حل مشکلات مربوط به پذیرش اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌شود. (کارت^۳، ۲۰۰۳).

3. Carter

با توجه به اهمیت کنترل و پیشگیری خشونت و تأثیر آن در زندگی حال و آینده دانش‌آموزان، سرمایه فرهنگی را می‌توان به عنوان عامل مهم و تأثیرگذار بر بروز و یا پیشگیری از خشونت جوانان در انواع گوناگون آن دانست. یکی دیگر از ابعاد مهم در این زمینه، تعامل‌پذیری دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان هرکدام با سرمایه‌های فرهنگی متفاوت وارد مدرسه می‌شوند و با برقراری ارتباط، تأثیرگذاری بر روی خصوصیات اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت آنان نیز شروع می‌شود. بنابراین تعامل‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی آن‌ها نیز به عنوان توانایی ابراز ویژگی‌های کلامی و غیرکلامی صحیح، بر پرخاشگری و کنترل آن تأثیرگذار است.

خشونت و دیگر رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان و جوانان در دو دهه گذشته افزایش یافته است. بنا بر آمار پزشکی قانونی، در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۱، ۱۵۶۵۹۳ نزاع و درگیری در کشور اتفاق افتاده است. از طرف دیگر با توجه به مشاهدات محقق در مدرسه که مبتنی بر شیوع رفتارهای پرخاشگرانه بین دانش‌آموزان است، تحقیقات چندانی به بررسی پرخاشگری دانش‌آموزان مرتبط با آن از جمله سرمایه فرهنگی و تعامل‌پذیری نپرداخته‌اند. براساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین سرمایه فرهنگی و تعامل‌پذیری با نگرش به پرخاشگری در بین دانش‌آموزان مدارس متوسطه تاکستان رابطه وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

رفیعی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی فرهنگی با پرخاشگری اجتماعی معلمان» انجام داده است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، شامل کلیه معلمان مقطع متوسطه دوم شهرستان دلیجان می‌باشند که طبق اطلاعات به دست آمده تعداد جامعه مورد بررسی ۳۰۰ نفر می‌باشد. تعداد نمونه پژوهش، با توجه محدود بودن جامعه مورد مطالعه و امکانات اجرایی و در نظر گرفتن محدودیت‌های اجرایی، ۲۲۰ نفر در نظر گرفته شده است. نتایج نشان می‌دهد که ۳۸ درصد، تغییرات پرخاشگری فیزیکی، ۳۰ درصد، تغییرات پرخاشگری کلامی، ۳۳ درصد، تغییرات خشم و ۳۸ درصد، تغییرات خصومت به میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی معلمان بر می‌گردد، در نتیجه این دو متغیر با یکدیگر (سرمایه اجتماعی فرهنگی و پرخاشگری اجتماعی) رابطه مثبت دارند.

رستمی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با سلامت روان جوانان» انجام داده‌اند. جامعه آماری در این مطالعه مقطعی، جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر تهران بودند. سرمایه فرهنگی با استفاده از یک پرسشنامه کوتاه و سلامت روان با ابزار GHQ-12 سنجیده شد.

در مجموع ۱۶۴ نفر جوان (۴/۴۶ درصد زن و ۶/۵۳ درصد مرد) در این مطالعه شرکت کردند. میانگین (انحراف معیار) سنی شرکت‌کنندگان (۳۳/۳) ۷۵/۲۳ سال و میانگین (انحراف معیار) سال‌های تحصیل آنها (۷۵/۲) ۴۰/۱۳ سال بود. میانگین (انحراف معیار) نمره‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و سلامت روان شرکت‌کنندگان به ترتیب (۵۴/۰) ۹۵/۲ و (۵۰/۰) ۳۸/۲ بود. نتایج تحلیل رگرسیون داده‌ها نشان داد، بین سرمایه‌ی فرهنگی و سلامت روان پاسخگویان پس از تعدیل با متغیرهای زمینه‌ای از جمله سن، جنسیت، تحصیلات و شغل پاسخگویان، رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج این مطالعه مبنی بر بهبود سلامت روان با افزایش میزان سرمایه‌ی فرهنگی در جوانان، به نظر می‌رسد ارتقاء سرمایه‌ی فرهنگی، زمینه‌ی افزایش آگاهی و شناخت در میان جوانان نسبت به استفاده از محصولات فرهنگی را فراهم می‌نماید.

کریمی و امین زاده (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ارتباط بین فردی دانش‌آموزان پسر در مقطع متوسطه‌ی دوم شهر جهرم انجام داده‌اند. این پژوهش، با هدف بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ارتباط بین فردی دانش‌آموزان پسر در مقطع متوسطه‌ی دوم شهر جهرم در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ انجام شده است که جامعه‌ی آماری آن متشکل از کلیه‌ی دانش‌آموزان متوسطه‌ی دوم شهر جهرم می‌باشد که از طریق فرمول کوکران به حجم نمونه‌ی ۹۲۳ نفر رسیده‌ایم. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. آزمون تحلیل رگرسیون نشان داد متغیرهای مؤثر توانسته‌اند بر ارتباط بین فردی دانش‌آموزان با ضریب تعیین (۰/۳۱۲) درصد تغییرات موجود را پیش‌بینی کنند. متغیر استفاده از اینستاگرام با بتای (۰/۱۳۵) و متغیر استفاده از وایبر با بتای (۰/۹۱۰) و متغیر استفاده از واتس‌آپ با بتای (۰/۹۱۹) و متغیر استفاده از تانگو با بتای (۰/۰۲۵) و متغیر استفاده از الین با بتای (۰/۰۱۹) توانست بر ارتباط بین فردی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود و بیشترین تأثیر را میزان استفاده از واتس‌آپ و کمترین تأثیر را استفاده از الین بر ارتباط بین فردی دانش‌آموزان داشته است.

دو و ه و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «نابرابری اجتماعی و اقتصادی در مواجهه با قلدری در دوران نوجوانی در ۳۵ کشور»، به بررسی نابرابری اجتماعی و اقتصادی در مواجهه با قلدری در دوران نوجوانی پرداخته‌اند. این تحقیق، توزیع اجتماعی-اقتصادی مواجهه‌ی نوجوانان با قلدری را در سطح بین‌المللی بررسی کرده است و سهم محیط اقتصادی کلان را مستند کرده است. از یک نظرسنجی بین‌المللی از ۱۶۲۳۰۵ دانش‌آموز ۱۱، ۱۳ و ۱۵ ساله به عنوان نمونه‌های نماینده‌ی ملی

4. Due

۵۹۹۸ مدرسه در ۳۵ کشور در اروپا و آمریکای شمالی برای سال تحصیلی ۲۰۰۱-۲۰۰۲ استفاده کرده‌اند. این نظرسنجی از معیارهای استاندارد شده قرار گرفتن در معرض قلدری و رفاه اجتماعی-اقتصادی استفاده کرده است. نوجوانان از خانواده‌های کم ثروت، شیوع بالاتری از قربانی قلدری را گزارش کردند.

براساس نتایج این پژوهش، نابرابری اجتماعی-اقتصادی در مواجهه با قلدری در میان نوجوانان وجود دارد که باعث می‌شود کودکانی که از آسیب‌های اجتماعی-اقتصادی بیشتری برخوردارند، بیشتر در معرض خطر قربانی شدن قرار بگیرند. نوجوانانی که در مدارس تحصیل می‌کنند و در کشورهای زندگی می‌کنند که تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر است، بیشتر در معرض خطر آزار و اذیت قرار می‌گیرند.

پژوهش رحمان و بهلول^۵ (۲۰۲۲) با عنوان «سرمایه اجتماعی-فرهنگی و تاب‌آوری جامعه»، با هدف بررسی درک دانشجویان دانشگاه در مورد افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و نقش سرمایه اجتماعی-فرهنگی و تاب‌آوری جامعه در پاکستان انجام شد. ۴۸۰ دانشجو در یک دوره دو ماهه در مطالعه شرکت کردند. یافته‌ها نقش مهم سرمایه اجتماعی-فرهنگی را در تبلیغ و همچنین مقاومت در برابر باورها و رفتارهای خشونت‌آمیز نشان داد. این مطالعه به این نتیجه رسید که فرهنگ، پیشینه قومی، حمایت خانواده و جامعه به تقویت تاب‌آوری در برابر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در بین دانشجویان کمک می‌کند.

همان‌گونه که بسیاری از این مطالعات نشان می‌دهند ارزش‌های فردی به طور بالقوه می‌تواند بر شیوع رفتار خشونت‌آمیز یا تقویت آن اثر گذار باشد، بنابراین، انتظار می‌رود سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان نیز بر خشونت و نگرش به پرخاشگری اثرگذار باشد. البته نکته‌ای که در تحقیقات گذشته کمتر به آن توجه شده است، این است که رابطه بین متغیرهای نگرش، رفتار خشونت‌آمیز در مدرسه، جنس، سن و رشته تحصیلی چگونه می‌باشد و تأثیرگذاری هر یک از این عوامل در چه حد می‌باشد که این موضوعات به شواهد و بررسی بیشتر نیاز دارد. از طرفی، هیچ یک از این پژوهش‌ها، به نقش میانجی تعامل اجتماعی و تأثیر آن بر پرخاشگری و رفتار خشونت‌آمیز اشاره‌ای نداشته‌اند. نقد دیگری که به آن‌ها وارد است، عدم وارد کردن متغیرهایی مانند جنس، سن، شغل والدین و تحصیلات والدین در بروز و شکل‌گیری پرخاشگری در بین دانش‌آموزان می‌باشد. بنابراین، با توجه به سرعت زیاد تغییر شیوه زندگی اجتماعی و عوامل مؤثر بر رفتار پرخاشگرانه و اینکه

⁵ Rehman, & Behlol

تحقیقات مذکور در سال‌های اخیر انجام نشده است، انجام پژوهشی جدید در این زمینه ضروری می‌باشد.

چارچوب نظری

سرمایه فرهنگی

نظریه سرمایه فرهنگی نظریه‌ای است که به عنوان مدلی از روابط مطرح می‌شود. محقق فرانسوی پیر بوردیو (۱۹۷۷) این نظریه را ارائه کرد که عملکرد و ساختار مدارس در فرانسه را توصیف می‌کند. در این توصیف، بوردیو پیشنهاد کرد که مدارس می‌خواهند دانش‌آموزان‌شان رویدادها و فعالیت‌های فرهنگی مشابهی را در رابطه با ساختار کلاس تجربه کنند. پیشنهاد شد که دانش‌آموزانی که دانش حضور در ساختار و فرهنگ کلاس بالاتر را دارند، می‌توانند با معلمان خود گفتگو کنند، توانایی پاسخ به سؤالات متمایز را داشته باشند و توانایی نوشتن تجربیات خود را در مقالات خاص داشته باشند. نظریه سرمایه فرهنگی بوردیو، به طور مشخص برای تحقیقاتی که با قدرت در ساختارهای اجتماعی مرتبط است شناخته شده است (بوردیو و پاسرون^۶، ۱۹۹۸). کارتر (۲۰۰۳) نشان داد که سرمایه فرهنگی به پیشینه فرد مربوط به نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش او مربوط می‌شود. بوردیو (۱۹۷۷) مفهوم سرمایه فرهنگی را با تمرکز بر تحقیقات آموزشی ایجاد کرد. بوردیو فرض می‌کند که سه حوزه سرمایه فرهنگی وجود دارد: مدارک تحصیلی که به نهادینه‌سازی مربوط می‌شود، عینیت بخشی که به کالاهای فرهنگی مربوط می‌شود و سرمایه تجسم یافته، که به وضعیت ذهن و بدن مربوط می‌شود.

بوردیو و پاسرون (۱۹۹۸) استدلال کردند که در محیط آموزشی، افراد مجموعه‌ای از تمایلات را به تعاملات در محدوده درک آموزشی منتقل می‌کنند. به نظر می‌رسد که برخی از اشکال سرمایه در سطح بالاتری نسبت به سایر اشکال، ارزش‌گذاری می‌شوند. با توجه به اینکه طبقه اجتماعی و منابع فردی چگونه بر افراد در محیط‌های آموزشی تأثیر می‌گذارند، نظریه سرمایه فرهنگی، پایه‌ای از این واقعیت را ارائه می‌کند که بسیاری از مدارس در یک موقعیت برابر عمل نمی‌کنند. کارتر (۲۰۰۳) پیشنهاد کرد که دانش‌آموزان با وضعیت اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر احتمال بیشتری دارند که کمتر درس بخوانند، بیشتر برای حمایت از خانه‌های خود به کار گرفته شوند و کمتر در

⁶ Bourdieu & Passeron

فعالیت‌های مدرسه درگیر شوند. نظریه سرمایه فرهنگی معتقد است که جامعه برای تقویت کسانی طراحی شده است که فرصت‌های فرهنگی بیشتری دارند.

پرخاشگری و خشونت

رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، از معمولی (مثلاً مسخره کردن) تا شدید (مثلاً شکنجه). به این ترتیب، تظاهرات به ظاهر نامتناهی پرخاشگری می‌تواند عملیاتی کردن آن را دشوار کند. تعریف «وقتی آن را می‌بینم می‌دانم» که برای فحاشی به کار می‌رود، به طور شهودی برای پرداختن به این که پرخاشگری در گفتمان عمومی چیست، مناسب به نظر می‌رسد، اما البته، به دلایل بسیاری چنین تعریفی در گفتمان علمی کافی نیست. رایج‌ترین تعریف علمی از پرخاشگری، هر رفتاری است که برای آسیب رساندن به فردی که انگیزه اجتناب از آن آسیب را دارد (پاروت و جیانکولا^۷، ۲۰۰۷).

تجزیه و تحلیل این تعریف چند مفهوم مهم را آشکار می‌کند. اولاً، پرخاشگری یک رفتار است، نه یک احساس یا شناخت یا نگرش یا حالت درونی دیگر. دوم، این یک کنش اجتماعی است: حداقل دو نفر درگیر هستند. سوم، این تعریف نقش قصد را مشخص می‌کند: متجاوز می‌خواهد به هدف آسیب برساند و معتقد است که این رفتار شانس معقولی برای آسیب رساندن به هدف (ها) دارد.

شاید به دلیل فراگیر بودن پرخاشگری در بسیاری از موقعیت‌ها، اصطلاحاتی که رفتارهای به ظاهر مشابه را توصیف می‌کنند به جای «پرخاشگری» استفاده شده‌اند. یکی از این اصطلاحات «خشونت» است. خشونت یک شکل افراطی از پرخاشگری است که هدف آن ایجاد آسیب شدید یا مرگ به یک فرد است (واربرتون و اندرسون^۸، ۲۰۱۵). به عنوان مثال می‌توان به ضرب و شتم، چاقو زدن، تیراندازی و لینچ اشاره کرد. نکته مهم این است که همه اعمال خشونت آمیز، پرخاشگرانه هستند، اما همه پرخاشگری‌ها خشونت نیستند. در برخی حوزه‌ها، رفتارهایی که برای ایجاد آسیب‌های عاطفی شدید انجام می‌گیرد، به عنوان خشونت عاطفی در نظر گرفته می‌شوند، زیرا لازم نیست یک رفتار باعث آسیب واقعی شود تا خشن تلقی شود بلکه این قصد آسیب است که اهمیت دارد.

7. Parot Vejyankula

8. Warburton and Anderson

با توجه به این نظریات، سرمایه‌ فرهنگی را می‌توان به عنوان عاملی دخیل و تأثیرگذار در بروز و یا پیشگیری از خشونت و نگرش به پرخاشگری در بین نوجوانان و دانش‌آموزان دانست و به ارائه راهکارهایی پرداخت که در مدیریت پرخاشگری و رشد سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان مؤثر باشد.

تعامل اجتماعی

تئوری تعامل اجتماعی، پرخاشگری را به عنوان مکانیزم تأثیر اجتماعی تفسیر می‌کند، هدف از یک عمل پرخاشگرانه، به دست آوردن چیزی با ارزش برای متجاوز است (مانند پول، عزت نفس). در این مدل، همه پرخاشگری‌ها ابزاری هستند. نظریه تعامل اجتماعی، متجاوز بالقوه را به عنوان یک تصمیم گیرنده نسبتاً منطقی در نظر می‌گیرد که توسط اهداف ابزاری هدایت می‌شود و اگر پاداش‌های درک شده بیشتر از هزینه‌های درک شده باشد، در خدمت به آن اهداف تهاجمی عمل می‌کند.

پرخاشگری ممکن است به منظور دستیابی و حفظ قدرت بر دیگران توجیه شود، به ویژه زمانی که خود تهدید می‌شود. در حوزه تهدید خود، زمانی که قدرت فرد مورد تهدید قرار می‌گیرد (مثلاً شخصی عزت نفس او را به چالش می‌کشد)، فرد ممکن است به منبع تهدید عزت نفس حمله کند. در این موارد، نگرش نسبت به خود در زمینه پرخاشگری برجسته می‌شود. هرچه اختلاف بین معیارهای ضمنی و صریح عزت نفس فرد بیشتر باشد، پرخاشگری فیزیکی و رابطه‌ای فرد بیشتر می‌شود. این حالت از عزت نفس تدافعی، می‌تواند منجر به پرخاشگری شود. پرخاشگری همچنین می‌تواند ناشی از تهدید آزادی فرد باشد (دیلارد و شن^۹، ۲۰۰۵). در این مورد، پرخاشگری به عنوان وسیله‌ای قابل قبول برای بازگرداندن آزادی محدود شده برای اندیشیدن یا عمل به روش‌های خاص تلقی می‌شود. برای مثال، متقاعد شدن به فکر کردن به روشی خاص (در نتیجه آزادی فرد را محدود می‌کند) می‌تواند انگیزه فرد را برای بازگرداندن آزادی از طریق افزایش خشم و افکار منفی (یعنی شناخت‌های پرخاشگرانه) و سپس اقدام علیه منبع محدودیت ایجاد کند.

این نظریه نشان می‌دهد بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، انسان نمی‌تواند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود برسد. معاشرت‌پذیری یک خصلت شخصیتی است که موجب تعامل و مدارا با دیگران می‌شود و مانع از خشونت می‌شود (اولیور^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۱).

^۹. Dillard and Shen

^{۱۰}. Oliver

دانش‌آموزان هرکدام با سرمایه‌های فرهنگی متفاوت وارد مدرسه می‌شوند و با برقراری ارتباط دانش‌آموزان تأثیرگذاری بر روی خصوصیات اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت آنان نیز شروع می‌شود. بنابراین تعامل‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی آن‌ها به عنوان توانایی ابراز ویژگی‌های کلامی و غیرکلامی صحیح، بر پرخاشگری تأثیرگذار است.

روش تحقیق

روش پژوهش، در این تحقیق، روش کمی است و جهت جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات جامعه مورد مطالعه از دو روش اسنادی و پیمایش استفاده شده است. در روش اسنادی با مطالعه کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع مورد مطالعه، مطالب مرتبط با کارمان را استخراج نمودیم. برای جمع‌آوری داده‌های اصلی، از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شد. پرسشنامه‌های مورد استفاده عبارت‌اند از:

پرسشنامه سرمایه فرهنگی مبتنی بر نظریه بوردیو: پرسشنامه سرمایه فرهنگی بوردیو، ۲۲ سؤال دارد و هدف آن سنجش ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی و هنری در سه شاخص: ۱- تجسم‌یافته یا سرمایه بدنی و فردی (مهارت ذهنی، مهارت در بیان مطالب درسی) ۲- عینی (مصرف کالاهای فرهنگی، تملک کالاهای فرهنگی، علاقمندی به هنر) ۳- نهادی (مدارک تحصیلی) می‌باشد. شیوه امتیازدهی این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت دارای ۵ گزینه می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۸۵/۷ درصد به دست آمد. (گرامی، ۱۳۹۱). بنابراین می‌توان گفت که پرسشنامه طراحی شده برای انجام این پژوهش، از قابلیت اعتماد کافی برخوردار می‌باشد.

پرسشنامه نگرش به پرخاشگری: این پرسشنامه شامل ۱۵ سؤال و دو عامل فرهنگ خشونت به معنای دیدگاهی فراگیر در مورد خشونت به عنوان فعالیتی باارزش و قابل قبول و عامل خشونت واکنشی یعنی خشونت در واکنش به تهدید واقعی یا ادراک شده است که به صورت لیکرت پنج گزینه‌ای و بر پایه نگرش افراد نسبت به خشونت، پاسخ‌دهی و نمره‌گذاری می‌شود (فانک^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۹). فانک و همکاران (۱۹۹۹) آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۸۶ و شجاعتی و همکاران (۱۳۹۲) ۰/۸۱ گزارش کرده‌اند.

11. funk

پرسشنامه‌ی تعامل‌پذیری اجتماعی جلبی: یکی از مؤلفه‌های اصلی نظام شخصیت، وابستگی عاطفی یا وفاداری است که نقش نظم‌دهندگی هنجاری رفتار را ایفا می‌کند و شخص را برای تنظیم رفتار خود با دیگران و جمع و ملاحظه‌ی انتظار آنها آماده می‌سازد. بر پایه‌ی این قطب می‌توان از بعد انسجامی شخصیت که اصولاً شامل تمایلات معاشرت‌پذیری یا تعامل‌پذیری اجتماعی است سخن گفت و برای آن هشت مؤلفه در نظر گرفت. این مؤلفه‌ها عبارتند از میل به وابستگی عاطفی انضمامی، میل به سازگاری اجتماعی، میل به تعهد انضمامی میل به وابستگی عاطفی تعمیم یافته، میل به خود‌تنظیمی، میل به تعهد تعمیم یافته، میل به عام‌گرایی و میل به بردباری اجتماعی.

جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی دانش‌آموزان مدارس متوسطه‌ی اول تاکستان می‌باشد. براساس آمار اعلام شده از جانب کارشناس آمار اداره کل آموزش و پرورش استان قزوین، حجم جامعه‌ی آماری ۵ هزار نفر می‌باشد. حجم نمونه برحسب فرمول کوکران ۳۵۷ نفر تعیین شده است و نمونه‌ی مورد نظر براساس نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. در پژوهش حاضر از هر دو نوع آمار توصیفی و استنباطی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و از آمار استنباطی متناسب با داده‌ها - شامل آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد. تمامی تحلیل‌ها به کمک نرم افزار SPSS انجام شد.

یافته‌های پژوهش

پس از کدگذاری و وارد کردن داده‌های پرسشنامه در نرم افزار، داده‌ها شکل کمی به خود گرفته و آماده تحلیل شد. پیش از ورود به بخش تحلیل استنباطی این متغیرها بررسی شده‌اند که نتایج آن در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول شماره‌ی یک- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

شاخص	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کمترین	بیشترین
سرمایه فرهنگی	۵۸/۹۳	۱۰/۹۹	۱۲۰/۸۲	۳۸	۸۲
تعامل‌پذیری	۷۰/۳۱	۱/۷۸	۳۱۹/۷۱	۱۷	۱۰۸
نگرش به خشونت	۴۲/۷۶	۱۴/۶۲	۲۱۳/۸۰	۱۹	۶۷

براساس نتایج مندرج در جدول شماره ۱، شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد متغیرها نشان دهنده پراکندگی مناسب داده‌ها می‌باشند. همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، بیشترین میانگین نمرات، مربوط به پاسخ نمونه به سؤالات متغیر تعامل‌پذیری است که با میانگین، ۷۰/۳۱، نشان می‌دهد که پاسخ‌های نمونه به سمت گزینه زیاد تمایل دارد. همچنین، بیشترین انحراف معیار مربوط به پاسخ نمونه به سؤالات متغیر نگرش به خشونت است. میزان انحراف معیار نشان دهنده پراکندگی داده‌ها از میانگین است. هرچه میزان انحراف معیار بیشتر باشد، پراکندگی داده‌ها از میانگین بیشتر است.

یکی از راه‌های تشخیص آزمون مناسب برای آزمودن فرضیات تحقیق، استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف می‌باشد. از این آزمون به منظور بررسی نرمال بودن داده‌های متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود و نتایج آزمون آماری کولموگروف-اسمیرنوف در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول شماره دو- آزمون کولموگروف-اسمیرنوف

شاخص	نمره آزمون	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی	۲/۰۰	۰/۰۰۱
تعامل‌پذیری	۲/۶۴	۰/۰۰۰
نگرش به خشونت	۲/۲۵	۰۰۰,۰

از آنجا که شرط معنادار شدن آزمون کولموگروف-اسمیرنوف این است که سطح معناداری، کمتر از ۵ صدم به دست آید، نتایج مندرج در جدول نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری داده‌های جمع‌آوری شده متغیرها از $\alpha=0.05$ کوچکتر بوده است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض H_0 رد شده و بیانگر این است که آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها معنادار بوده است و در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان نتیجه گرفت که تمامی متغیرها دارای توزیع نرمال می‌باشند.

فرضیه اول: بین سرمایه فرهنگی و نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان مدارس متوسطه تاستان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره سه- آزمون همبستگی پیرسون

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی و نگرش به پرخاشگری	-۰/۱۰	۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برای متغیرهای سرمایه فرهنگی و نگرش به پرخاشگری از سطح معنی‌داری استاندارد ($\alpha = 5\%$) کمتر است، یعنی بین متغیرها رابطه معنی‌داری وجود دارد. علامت منفی بیانگر جهت رابطه است و نشان می‌دهد رابطه نگرش به پرخاشگری در دانش‌آموزان با سرمایه فرهنگی بالا، منفی و ضعیف بوده است. به عبارت دیگر با کاهش سرمایه فرهنگی، نگرش به پرخاشگری افزایش می‌یابد و برعکس.

فرضیه دوم: بین تعامل‌پذیری و نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان مدارس متوسطه تاکستان، رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره چهار- آزمون همبستگی

متغیرها	مقدار آزمون	سطح معناداری
تعامل‌پذیری و نگرش به پرخاشگری	-۰/۱۶	۰/۰۰

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، مقدار عدد معنی‌داری (**sig**) مشاهده شده برای متغیرهای تعامل‌پذیری و نگرش به پرخاشگری از سطح معنی‌داری استاندارد ($\alpha = 5\%$) کمتر است یعنی بین متغیرها رابطه معنی‌داری وجود دارد، این رابطه بین متغیرها منفی است و تا حدودی کم می‌باشد. به عبارت دیگر این عدد نشان می‌دهد تعامل‌پذیری بالا، تا حدود نسبتاً زیادی موجب کاهش نگرش به پرخاشگری می‌شود و برعکس.

فرضیه سوم: بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان شامل سن، جنس، پایه تحصیلی و معدل با نگرش به پرخاشگری رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی تأثیر جداگانه و همزمان متغیرهای جمعیت‌شناختی که شامل جنسیت، سن، معدل و پایه تحصیلی آن‌ها است، از رگرسیون چند متغیری استفاده شده است که نتایج در جداول زیر آورده شده است.

جدول شماره پنج- خلاصه مدل رگرسیون چند متغیری

مدل	مقدار R	ضریب تعیین	ضریب تعیین معتبر	دوربین_واتسون
۱	۰/۰۶	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۸	۱/۱۴

برای تحلیل رگرسیون، نگرش به پرخاشگری به عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل شده است و متغیرهای جنسیت، سن، معدل و پایه تحصیلی دانش‌آموزان، متغیرهای وابسته هستند. همان‌طور که در جدول شماره ۵، مشاهده می‌شود، میزان واریانس تبیین شده متغیر ویژگی‌های جمعیت شناختی توسط متغیر نگرش به پرخاشگری برابر با ۰/۰۶ می‌باشد. هر چه این مقادارها به ۱ نزدیک‌تر باشند، مدل بیانگر رابطه بیشتری بین متغیر وابسته و مستقل است. بنابراین مدل رگرسیونی مناسب است و می‌توان گفت ۰/۰۶٪ از واریانس متغیرهای جنسیت، سن، معدل و پایه تحصیلی دانش‌آموزان توسط نگرش به پرخاشگری تبیین می‌شود. به بیان دیگر، مدل رگرسیونی توانسته است درصد بیشتری از تغییرات متغیر وابسته را تحت پوشش قرار دهد یا بیان کند. همچنین ستون دوربین - واتسون^{۱۲} آماره مربوطه را با مقدار ۱/۱۴ نشان می‌دهد. به دلیل نزدیک بودن مقدار این آماره به ۲ می‌توان مستقل بودن باقی‌مانده‌ها را نتیجه‌گیری کرد. به این ترتیب باز هم شرط دیگری از شروط مربوط به رگرسیون خطی^{۱۳} برآورده می‌شود. همچنین ستون ضریب تعیین نشان می‌دهد که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته تحت تأثیر متغیر مستقل می‌باشد، البته در مورد ضریب تعیین در اینجا باید به این نکته توجه کرد که چون پژوهش حاضر در زمینه رفتار انسان‌ها است و رفتار انسانی به سادگی مانند فرآیندهای فیزیکی قابل پیش‌بینی نیست، انتظار می‌رود که مقدار ضریب تعیین، پایین باشد بنابراین پایین بودن این ضریب ذاتاً بد نیست و بر تفسیر متغیرهای معنادار تأثیر نمی‌گذارد.

¹². Durbin-Watson

¹³. ols

جدول شماره شش-تحلیل واریانس مدل رگرسیون

مدل اینتر	مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۷۸/۳۳۱	۴	۶۹/۵۸۳	۰/۳۲۳	۰/۰۱
باقی مانده	۷۵۸۳۴/۴۳۱	۳۵۲	۲۱۵/۴۳۹		
کل	۷۶۱۱۲/۷۶۲	۳۵۶			

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، مقدار آمشاهده شده برابر با ۰/۳۲ بدست آمده است و این مقدار در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است. می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مناسب خواهد بود. زیرا بیشتر تغییرات متغیر وابسته در مدل رگرسیونی دیده شده است. به این معنی که از کل تغییرات (۷۶۱۱۲/۷۶۲) سهم مدل، مقدار ۲۷۸/۳۳۱ است. بنابراین می‌توان گفت که در مدل رگرسیون، میزان واریانس تبیین شده نگرش به پرخاشگری توسط ویژگی‌های جمعیت-شناختی معنی‌دار است. این امر نشان می‌دهد که بین متغیرها رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره هفت-ضرایب تحلیل رگرسیون

معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		بتا	خطای استاندارد ^{۱۴}	
۰/۰۰۰	۹/۵۵۲		۴/۳۶۹	۱ (ثابت)
۰/۰۲	-۰/۴۹۳	-۰/۰۲۶	۱/۵۵۸	جنسیت
۰/۰۲	۰/۴۸۹	۰/۰۲۶	۱/۵۷۹	سن
۰/۰۴	۰/۷۹۲	۰/۰۴۲	۰/۹۸۶	پایه تحصیلی
۰/۰۱	-۰/۲۴۱	-۰/۰۱۳	۱/۰۹۶	معدل

14. Std. Error

در جدول ۷، برآورد ضرایب و خصوصیات مربوط به آزمون آن‌ها دیده می‌شود. متغیرهایی مانند جنسیت و شغل با اینکه متغیرهای اسمی می‌باشند، اما به عنوان متغیر تعدیلگر در این پژوهش وارد تحلیل ما شده‌اند و رابطه بین متغیرهای اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان‌طور که در جدول گزارش شده است. مقدار ثابت در مدل با مقدار ۴۱/۹۹ ظاهر شده است. همچنین با توجه به کوچکتر بودن مقدار Sig هر متغیر از مقدار ۰/۰۵ فرض صفر بودن‌شان رد می‌شود. باز هم این موضوع دلیلی بر مناسب بودن مدل رگرسیونی است. ستون ضرایب استاندارد نشده که ضرایب واقعی را نشان می‌دهد با توجه به واحد اندازه‌گیری هر یک از متغیرها ایجاد شده‌اند، بنابراین نمی‌توان براساس بزرگی هر یک از ضرایب اهمیت متغیر مربوطه در مدل رگرسیونی را تشخیص داد.

به این منظور از ستون ضریب بتای استاندارد شده^{۱۵} استفاده می‌کنیم. هر ضریبی که دارای بتای بزرگتری باشد، در مدل رگرسیونی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. به این ترتیب مشخص می‌شود که پایه تحصیلی، رابطه قوی‌تری با متغیر نگرش به پرخاشگری (۰/۴۲-) دارد.

فرضیه چهارم: بین ویژگی‌های خانوادگی دانش‌آموزان با نگرش به پرخاشگری رابطه معنادار وجود دارد.

برای بررسی تأثیر جداگانه و همزمان ویژگی‌های خانوادگی که شامل شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر آنهاست، از رگرسیون چند متغیری استفاده شده است که نتایج در جدول‌های زیر آورده شده است.

جدول شماره هشت- مدل رگرسیون چند متغیری

مدل	مقدار R	ضریب تعیین	مقدار ضریب تعیین‌معتبر	دوربین-واتسون
۱	۰/۱۸	۰/۰۳۳	۰/۰۲۲	۱,۲۰

برای تحلیل رگرسیون، نگرش به پرخاشگری به عنوان متغیر پیش‌بین، وارد مدل شده است و متغیرهای شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر متغیرهای وابسته هستند. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، میزان واریانس تبیین شده متغیر ویژگی‌های خانواده، توسط

¹⁵. Standardize Coefficients Beta

متغیر نگرش به پرخاشگری برابر با ۰/۱۸ می‌باشد. هر چه این مقادارها به ۱ نزدیک‌تر باشند، مدل بیانگر رابطه‌ی بیشتری بین متغیر وابسته و مستقل است. بنابراین مدل رگرسیونی مناسب بوده است و می‌توان گفت ۱/۸٪ از واریانس متغیرهای شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر دانش‌آموزان توسط نگرش به پرخاشگری تبیین می‌شود. به بیان دیگر، مدل رگرسیونی توانسته است درصد بیشتری از تغییرات متغیر وابسته را تحت پوشش قرار دهد و یا بیان کند. همچنین ستون دوربین-واتسون^{۱۶} آماره‌ی مربوطه را با مقدار ۱/۲۰ نشان می‌دهد. به دلیل نزدیک بودن مقدار این آماره به ۲ می‌توان مستقل بودن باقی‌مانده‌ها را نتیجه‌گیری کرد. به این ترتیب، باز هم شرط دیگری از شروط مربوط به رگرسیون خطی برآورده می‌شود.

جدول شماره‌ی نه-تحلیل واریانس مدل رگرسیون

مدل ایتر ^{۱۷}	مجموع مربعات	درجات آزادی	میانگین مربعات	مقدار F	سطح معناداری
رگرسیون	۲۴۷۹/۴۴۵	۴	۶۱۹/۸۶۱	۲/۹۶۳	۰/۰۲
باقی مانده	۷۳۶۳۳/۳۱۶	۳۵۲	۲۰۹/۱۸۶		
کل	۷۶۱۱۲/۷۶	۳۵۶			

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، F مشاهده شده برابر با ۲/۹۶ به دست آمده است و این مقدار در سطح ۹۹ درصد، معنی‌دار است. می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مناسب خواهد بود. زیرا بیشتر تغییرات متغیر وابسته در مدل رگرسیونی دیده شده است. به این معنی که از کل تغییرات (۷۶۱۱۲/۷۶) سهم مدل مقدار ۲۴۷۹/۴۴۵ است. بنابراین می‌توان گفت که در مدل رگرسیون، میزان واریانس تبیین شده‌ی شغل پدر، شغل مادر، تحصیلات پدر و تحصیلات مادر توسط نگرش به پرخاشگری معنی‌دار است. این نشان می‌دهد که بین متغیرها رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

^{۱۶}.Durbin-Watson

^{۱۷}.enter

جدول شماره ده- ضرایب تحلیل رگرسیون

مدل	ضرایب استاندارد نشده ^{۱۸}	ضرایب شده ^{۱۹}	استاندارد	معنی‌داری		
					B	خطای استاندارد
۱	(ثابت)			۰/۰۰۰	۹/۵۰۱	
	شغل مادر	۰/۰۵۷	۰/۶۲۴	۰/۲۷۶	۱/۰۹۰	
	شغل پدر	۰/۱۵۴	۰/۶۳۹	۰/۰۰۴	۲/۹۲۶	
	تحصیلات مادر	-۰/۰۴۳	۰/۸۷۶	۰/۴۲۲	-۰/۸۰۴	
	تحصیلات پدر	-۰/۰۵۲	۰/۸۸۶	۰/۳۲۸	-۰/۹۸۰	

در جدول ۱۰، برآورد ضرایب و خصوصیات مربوط به آزمون آن‌ها دیده می‌شود. همان‌طور که در جدول گزارش شده است، مقدار ثابت در مدل با مقدار ۳۹/۰۸ ظاهر شده است. همچنین با توجه به کوچکتر بودن مقدار معناداری متغیر شغل پدر از مقدار ۰/۰۵ فرض صفر بودن‌شان رد می‌شود. باز هم این موضوع، دلیلی بر مناسب بودن مدل رگرسیونی است. ستون ضرایب استاندارد نشده که ضرایب واقعی را نشان می‌دهد، با توجه به واحد اندازه‌گیری هر یک از متغیرها ایجاد شده‌اند، بنابراین نمی‌توان براساس بزرگی هر یک از ضرایب اهمیت متغیر مربوطه در مدل رگرسیونی را تشخیص داد. براساس ستون ضریب بتای استاندارد شده هر ضریبی که دارای بتای بزرگتری باشد، در مدل رگرسیونی از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است. به این ترتیب، مشخص می‌شود که شغل پدر، رابطه قوی‌تری با متغیر نگرش به پرخاشگری (۰/۱۵) دارد.

¹⁸ Standardized coefficients

¹⁹ Unstandardized coefficients

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با نگرش به پرخاشگری رابطه دارند. از میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی که اندازه‌گیری شد، پایه تحصیلی، سن و جنسیت به ترتیب بیشترین سهم را در نگرش دانش‌آموزان به پرخاشگری ایفا می‌کنند. همچنین ویژگی‌های خانوادگی نیز در نگرش به پرخاشگری دارای تأثیر مثبت هستند. به این ترتیب شغل پدر، شغل مادر و تحصیلات پدر سهم بیشتری در نگرش دانش‌آموزان به پرخاشگری داشته است. این یافته با نتایج تحقیق دربندی و امانی (۱۳۹۷) همسو است که بنابر یافته‌های حاصل شده در این پژوهش، این‌گونه نتیجه گرفته شد که بین شغل والدین و پرخاشگری دانش‌آموزان آنها رابطه معنادار وجود دارد و در میان والدینی که شغل آزاد پدر دارند، فرزندان پرخاشگرتر هستند، در صورتی که در میان والدینی که شغل مادر دولتی هست، پرخاشگری کودکان بیشتر می‌باشد. در رابطه با اشتغال مادر نیز یافته‌های نیک^{۲۰} و سین (۲۰۱۰) بیان کرده‌اند اعتقاد بر این است که مراقبت مادرانه در پرخاشگری فرزندان تأثیر دارد، در حالی که طبق این پژوهش، اشتغال مادر و پرخاشگری فرزندان رابطه معناداری ندارند. همچنین نتایج کرمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد که بین پرخاشگری دختران و پسران مادران شاغل با خانه‌دار، تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین بین پرخاشگری پسران و دختران در گروه مادران شاغل تفاوت معناداری وجود ندارد، اما بین پرخاشگری پسران و دختران مادران خانه‌دار، تفاوت معناداری وجود دارد و پسران پرخاشگری بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در طول سال‌ها، تحقیقات زیادی برای درک رابطه بین والدین و رفتارهای پرخاشگرانه کودک انجام شده است. محققان دریافتند که پیوند اولیه، حیاتی است. والدینی که مسئولیت و ارزش فرزندپروری خود را در مراحل اولیه زندگی درک نمی‌کنند، باعث بروز مشکلات اجتماعی بیشتری در نوجوانان می‌شود. آموزش اولیه از خانواده شروع می‌شود و شخصیت فرد را شکل می‌دهد. رشد رفتار پرخاشگرانه از عدم توجه شروع می‌شود. در نتیجه، پیوند بین والدین و فرزندان عامل مهمی در رشد شخصیت و عملکرد روانشناختی بزرگسالان در نظر گرفته شده است (پارکر، بارت و هیکی^{۲۱}، ۱۹۹۲).

همبستگی میان تعامل‌پذیری و نگرش به پرخاشگری نیز معنادار و از نوع معکوس بود. سازه نگرش مدتها است که متغیر مهمی در علوم اجتماعی برای کمک به درک پرخاشگری در نظر گرفته

²⁰ .sin&Nik

²¹ . Parker&barrt&Hikey

شده است. تئوری‌های متعددی از نگرش‌ها و نظریه نگرش، به طور گسترده برای کمک به توضیح بسیاری از اشکال پرخاشگری استفاده کرده‌اند. نگرش‌ها یکی از بخش‌های ساختارهای شناختی را تشکیل می‌دهند که یک گزارش اجتماعی-شناختی از پرخاشگری ارائه می‌دهند. یک مدل رایج در ادبیات پرخاشگری، یعنی مدل پرخاشگری عمومی، نگرش‌ها را بخشی از یک شبکه معنایی بزرگ‌تر در نظر می‌گیرد که به ساختارهای شناختی دیگر متصل است. این ارتباطات به نوبه خود بر ارزیابی، تفسیر و رفتار مرتبط با پرخاشگری و خشونت تأثیر می‌گذارد. علی‌رغم پیشرفت‌هایی که تا به امروز صورت گرفته است، هنوز کار زیادی برای انجام دادن در شکل‌دهی و به‌کارگیری ساختار نگرش برای درک بهتر پرخاشگری وجود دارد. انجام این کار ممکن است اثرات منفی بسیاری از مشکلات اجتماعی، از جمله تعارضات بین فردی و بین گروهی، امنیت عمومی و کیفیت زندگی را به حداقل برساند.

همچنین برحسب یافته‌های پژوهش، سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان، رابطه معکوس با نگرش به پرخاشگری دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش رفیعی (۱۳۹۷)، رحمان و بهلول (۲۰۲۲)، دوو و همکاران^{۲۲} (۲۰۰۹) و کلاین^{۲۳} (۲۰۰۶) همسو می‌باشد. براساس نظر بوردیو در تحلیلی که براساس فرضیه عدم تساوی سرمایه فرهنگی انجام داده است، نابرابری فرهنگی فقط با رفتار و اعمال فرهنگی که برای افراد و گروه‌ها مقدور است، مشخص می‌شود. تئاتر و اپرا رفتن، مجله و روزنامه خواندن، سینما رفتن، دوربین عکاسی داشتن و امثال آن می‌تواند به عنوان نشانه‌ها و امکانات سرمایه فرهنگی به شمار آیند. بنا بر عقیده بوردیو، سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی را به وجود می‌آورد. در اولین گام از بررسی نتایج به دست آمده مشخص شد که میزان و حجم سرمایه فرهنگی بر نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیرگذار است. هرچه این نوع از سرمایه فرهنگی افزایش یابد، میزان نگرش به پرخاشگری کاهش می‌یابد. افرادی که از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند، نگرش مثبت کمتری نسبت به دیگران به خشونت دارند و می‌توان استنباط کرد که ارزش‌های سازش کارانه در این دست افراد، قوی‌تر از کسانی است که فاقد سرمایه فرهنگی‌اند.

بنابراین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی می‌توانند در صورت فراهم نشدن شرایط لازم، تغییر رفتار را راحت‌تر سازماندهی و مدیریت کنند و منشأ افزایش نگرش به خشونت در جامعه هدف شوند. بر اساس نتایج پژوهش، به منظور تعمیم دادن یافته‌ها، محققان آینده می‌توانند شرکت کنندگانی از

²². Due

²³. Klein

مقاطع تحصیلی مختلف در سراسر کشور را مورد مطالعه قرار دهند. همچنین مطالعات آینده در مورد چگونگی تأثیر نگرش‌ها بر پرخاشگری در بسیاری از سطوح مختلف تحلیل می‌تواند ارائه شوند. همچنین براساس یافته‌های پژوهش، می‌توان پیشنهاد داد با توجه به اهمیت سرمایه فرهنگی و تأثیر آن در نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان که نشان داده شد، پیشنهاد می‌شود مدارس که دانش‌آموزان با سرمایه اقتصادی ضعیف دارند، می‌توانند با تقویت سرمایه فرهنگی، مدرسه زمینه ساز افزایش سرمایه فرهنگی دانش‌آموزان شوند. شناسایی و به کارگیری راهکارهای افزایش تعامل میان دانش‌آموزان با یکدیگر و دانش‌آموزان و معلمان برای اثرگذاری بر نگرش به پرخاشگری می‌تواند مفید باشد.

با توجه به محدودیت‌های روش کمی، نمونه نمی‌تواند به عنوان نماینده همه دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. به دلیل محدودیت داده‌ها، بازنمایی تجربی ما برای سرمایه فرهنگی والدین خام است و تحقیقات آینده باید مشخص کند که کدام جنبه‌های خاص سرمایه فرهنگی والدین (دانش فرهنگی، رفتار، انتظارات و غیره) محیط فرهنگی را در خانواده‌های بزرگ شکل می‌دهد و نگرش به پرخاشگری دانش‌آموزان را شکل می‌دهد.

منابع

۱. کریمی، مجید رضا و رضا امین زاده (۱۳۹۵) «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر ارتباط بین فردی دانش آموزان پسر در مقطع متوسطه دوم شهر جهرم سال ۹۵-۹۴»، *دوفصل‌نامه مشارکت و توسعه اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۲: ۱۱۷-۱۳۰.
۲. کرمی مهاجری، زهرا؛ احمدی، محمد و زهرا چابکی نژاد (۱۳۹۶) «بررسی نقش اشتغال مادر در پیشرفت تحصیلی و پرخاشگری فرزندان»، *چهارمین کنفرانس بین‌المللی نوآوری‌های اخیر در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری*، تهران.
۳. گرامی، فتح اله (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی دبیران متوسطه شهر خلخال»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
۴. دربندی فراهانی، علی و حسین امانی (۱۳۹۷) «بررسی رابطه بین پرخاشگری دانش‌آموزان پسر و شغل والدین»، *ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*، تهران.
۵. رستمی، طاهره؛ آشنا، امیرحسین؛ طاووسی، محمود و علی منتظری (۱۳۹۶) «رابطه سرمایه فرهنگی با سلامت روان جوانان: یک مطالعه مقطعی»، *پایش*، (۱) ۱۷: ۳۳-۳۹.
۶. رفیعی، علی (۱۳۹۷) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی فرهنگی با پرخاشگری اجتماعی معلمان»، *یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی*، تهران.
7. Abelev, M. S. (2009) «Advancing out of poverty: Social class worldview and its relation to resilience». *Journal of Adolescent Research*, 24(1), 114-141.
8. Due P, Merlo J, Harel-Fisch Y, Damsgaard MT, Holstein BE, Hetland J, Currie C, Gabhainn SN, de Matos MG, Lynch J. (2009) «Socioeconomic inequality in exposure to bullying during adolescence: a comparative, cross-sectional, multilevel study in 35 countries». *Am J Public Health*. 99(5):907-14.
9. Afshani S A, Poorrahimian E(2017) «The study of relationship between cultural capital and domestic violence against married women in Mehriz city». *QJCR* 2017; 16 (63) :29-49.
10. Gordon B. Parker, Elaine E. Barrett, Ian B. Hickey. (1992) «From nurture to network: Examining links between parental perceptions in childhood and social bonds in adulthood», *American Journal of Psychiatry* 149(7), 877-885.

11. Rehman, A., & Ghulam Behlol, M. (2022) «Socio-Cultural Capital and Community Resilience: Perception of University Students about Violent Extremism in Pakistan». **Journal of Development Policy, Research & Practice** (JoDPRP), 6(1), 57–69.

12. Talebi, Masoumeh, Hassani, Mohammad and Kabiri, Afshar (2019) «Modeling the Relationship between Cultural Capital and Sense of School Belonging among Middle School Students: The mediating role of Social and Institutional Trust», **International Journal of Psychology**, Vol. 13, No. 2, Summer & Fall 2019.

13. Carter, P. (2003) «Black cultural capital, status, positioning, and schooling conflicts for low-income African American youth», **Social Problems**, 50(1), 136-155.

14. Bourdieu, P., & Passeron, J. C. (1998) **Reproduction in education, society, and culture**. London, England: Sage.

15. Bourdieu, P. (1977) «Cultural reproduction and social reproduction». In J. Karabel & A. H. Halsey (Eds.), **Power and ideology in education** (pp. 487-511). New York, NY: Oxford University Press

16. James Price Dillard & Lijiang Shen (2005) **on the nature of responsiveness and its role in persuasive health communication** .Pages 144-168, published online.

17. Oliver C, Oxener G, Hearn M, Hall S. (2001) «Effects of social proximity on multiple aggressive behaviors». **J Appl Behav Anal**; 34(1):85-8. doi: 10.1901/jaba.2001.34-85. PMID: 11317994; PMCID: PMC1284303

18. Wayne Warburton, Craig Anderson(2015) «Understanding Domestic Violence: Theories», **Challenges, Solutions**, 1-56, 2015

19. Dominic J. Parrott, Peter R (2007). «Giancola Aggression and Violent Behavior», **behavior**, 12(3), 280-299.

20. Funk, Robert Elliott,(1999) «Heidi Bechtolt, Tracy Pasveld, Artie Tsavosis», **Journal of Interpersonal Violence** 18 (2), 186-196, 2003.